

آسیب‌شناسی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ از منظر قانون جلوگیری از پولشویی و عواید ناشی از جرایم کشور افغانستان

ابوالحسن مجتهد سلیمانی*

محمد داودآبادی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۹

چکیده

در فرایند پولشویی، مرتکبان جرایم، پول حاصل از اقدامات غیرقانونی خود را با انجام اعمال خدعه‌آمیز به ثروتی مشروع تبدیل می‌کنند و همین امر سبب وارد شدن ضربه‌های بزرگ اقتصادی به کشور می‌شود. در واقع، قواعد پولشویی با دیگر روش‌های تبهکارانه مالی و تجارتي تلفیق می‌شود و به‌همین منظور، کشورها برای حفظ و حمایت از نظام و چرخه اقتصادی خود، قوانین را در جهت مبارزه با این نوع عملیات مجرمانه وضع نموده‌اند و همین امر سبب تشکیل گروه کاری اقدامات مالی (FATF) در چهارچوب بین‌المللی شده است. در ایران نیز قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید، اما به‌خاطر عدم کارشناسی لازم در مورد مفاد آن قابلیت اجرا ندارد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که معایب و نواقص مفاد قانون مبارزه با پولشویی چیست؟ با تحقیقات کتابخانه‌ای صورت گرفته به‌نظر می‌رسد که عدم جامعیت و مانعیت قانون مبارزه با پولشویی، عدم توجه به وصف «فراملی» و وصف «سازمان‌یافته» بودن این جرم، واگذاری نظارت بر امر مبارزه با پولشویی به یک «نهاد غیرقضایی»، تعارض با دیگر «قوانین مدنی و کیفری»، عدم تناسب «جرم پولشویی با مجازات مقرر» و عدم پیش‌بینی راهکارهای مناسب در جهت همکاری با سایر کشورها در «حوزه قضایی و مراجع بین‌المللی» از جمله ایرادات مفاد این قانون می‌باشد. البته این امید وجود دارد که با کمک گرفتن از اساتید و متخصصین و با بهره‌گیری از قوانین دیگر کشورها در حوزه مبارزه با فرایند پولشویی، چالش‌های این قانون برطرف شود. نگارنده در پایان، با نگاهی به «قانون جلوگیری از پولشویی و عواید ناشی از جرایم کشور افغانستان مصوب ۱۳۹۳ خورشیدی» راهکارهای مؤثر در جهت اصلاح مفاد قانون مبارزه با پولشویی را ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: پولشویی، اکل المال بالباطل، فراملی، سازمان‌یافته.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.

Sarsabze313@gmail.com

** کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسؤل).

dr.davoudabadi@gmail.com

مقدمه

عملیات پولشویی، ساحل نجات جرایم سازمان‌یافته است. در این نوع عملیات، پول غیرقانونی حاصل از فعالیت‌های مجرمانه (قاچاق کالا، مواد مخدر، کلاهبرداری و ...) با گذر از مراحل قانونی به‌عنوان پولی مشروع جلوه داده می‌شود. عملیات پولشویی دارای آثار منفی فراوانی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است از جمله گسترش فساد و ارتشاء در جامعه، کاهش درآمد دولت، تقویت منابع مجرمین و تضعیف بخش خصوصی. این عملیات نه تنها درآمدهای غیرقانونی را موجه می‌سازد بلکه استمرار تخلفات تبه‌کاران را بیشتر ترغیب می‌کند که همین امر سبب برهم خوردن موازنه اقتصادی کشور و غلط نشان دادن تراز مالی سالانه می‌شود (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۳۴). تبعات منفی این پدیده موجب شده است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول عرفی و شرعی، آیین‌نامه مبارزه با پولشویی را برای مقابله با این پدیده مذموم در سال ۱۳۸۶ خورشیدی به تصویب برساند. در واقع، این لایحه یکی از چهار لایحه‌ای می‌باشد که ایران برای جلوگیری از فرار گرفتن در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ارائه کرده است. اما با گذشت زمان، این قانون کارایی خود را به‌خاطر جامع نبودن و نقص‌های فاحش در آن از دست داده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که راهکارهای کاربردی در جهت رفع نقص‌های فاحش در قوانین مبارزه با پولشویی چیست؟ هرچند برخی محققان و پژوهشگران درباره «ماهیت جرم پولشویی» تاکنون اظهارنظرهایی کرده‌اند لکن تا آنجا که نگارنده تتبع نموده است، هیچ مقاله‌ای به بررسی تفصیلی «آسیب‌شناسی قانون مبارزه با پولشویی» از دیدگاه فقهی و حقوقی و بالاخص در «قانون جلوگیری از پولشویی و عواید ناشی از جرایم کشور افغانستان مصوب ۱۳۹۳ خورشیدی» نپرداخته است. در این مقاله جهت پاسخ به پرسش مذکور، مسئله را از دو منظر، یکی ماهیت فقهی قانون مبارزه با پولشویی و دیگری، چالش‌ها و راهکارهای قانون مبارزه با پولشویی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مفاهیم و کلیات

پیش از ورود به بحث نیازمندیم که ابتدا با تعاریف کلی آشنا شویم و سپس به عنوان‌های اصلی بپردازیم.

۱-۱. مفهوم پولشویی و عملیات مربوط به آن

پولشویی یا تطهیر پول^۱ عملیاتی دارای «منشأ مجرمانه» می‌باشد و به منظور «مشروعیت بخشیدن به درآمدهای غیرقانونی» از سوی سودجویان به کار گرفته می‌شود (صحرائیان، ۱۳۸۱، ص ۸۲). به عبارت دیگر، مجرمان اقتصادی یا گروه‌های سازمان‌یافته متخلف، مال حاصل از جرم را که از طریق کلاهبرداری، رشوه، اخاذی، قاچاق کالا و مواد مخدر، حیات وحش، عتیقه، خرید و فروش اسلحه و حتی قاچاق انسان (زنان و کودکان) به دست آورده‌اند با تغییر در ماهیتش (آمیخته شدن درآمدهایی نامشروع با درآمدهای حاصل از فعالیت‌های قانونی) به حوزه اقتصاد رسمی یک کشور تزریق می‌کنند (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۵۸). اما ویژگی‌های پولشویی سازمانی به شرح زیر است:

(۱) توسط بیش از ۳ نفر انجام می‌شود.

(۲) این عملیات «دراز مدت و مستمر» است.

(۳) این عملیات مجرمانه در «سطح بین‌المللی و ملی» رخ می‌دهد.

(۴) درآمد حاصل از آن در فعالیت‌های غیرقانونی صرف می‌شود (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

ویژگی‌های فوق نشان‌دهنده زیان‌بار بودن این نوع فعالیت‌های مجرمانه در سطح ملی و فراملی است. این عملیات مجرمانه به‌خاطر عدم وجود سیستم‌های کارآمد اقتصادی و عدم وجود برنامه‌ریزی‌های مناسب اقتصادی و همچنین عدم وجود برخورد‌های قانونی قاطع با سرمایه‌های مشکوک در سطح جامعه می‌باشد (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳). بر همین اساس، دولت‌ها با اتخاذ برنامه‌هایی مؤثر درصدد برخورد با این پدیده شوم اقتصادی و بعضاً سیاسی هستند (محمودی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹). دولت ایران نیز عزم خود را جزم کرده و تمهیداتی را در جهت مقابله با اصل پولشویی و آثار مخرب آن در قالب یک لایحه قانونی اتخاذ نموده است.

در آخر این‌که، مراحل که در «عملیات پولشویی» به چشم می‌خورند به شرح زیر

هستند:

الف) گروه‌های سازمان‌یافته «درآمدهای نامشروعی» را از طریق جرایم به دست می‌آورند.

ب) گروه‌های سازمان‌یافته برای تطهیر درآمدهای کثیف اقدام به «انتقال‌های واقعی یا صوری» در قالب معاملات خاص می‌کنند.

1. Laundering.

ج) گروه‌های سازمان‌یافته با «اقدام فریبکارانه» در قالب عقود به‌ظاهر مشروع، اموال کثیف را مملوک قانونی خود قرار می‌دهند که این عمل سبب ایجاد زیان بزرگ در اقتصاد کلان کشور است (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۷۶).

۲-۱. قانون پولشویی در اسناد بین‌المللی

جوامع بین‌المللی در جهت مبارزه با پول‌های غیرقانونی (حاصل از فعالیت‌های مجرمانه) اسنادی را به تصویب رسانده‌اند که مهم‌ترین این اسناد به شرح زیر می‌باشند:

الف) کنوانسیون وین ۱۹۸۸: به موجب این سند، از دولت‌ها خواسته شد که علاوه بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، تدابیری را در جهت مبارزه با درآمدهای نامشروع (پولشویی) همچون تعدیل قواعد رازداری در بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی، اتخاذ نمایند (باقرزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

ب) کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰: این کنوانسیون از دولت‌ها خواست تا علاوه بر مصادره کردن درآمدهای جرم سازمان‌های فراملی، درآمدهای مظنون به عواید حاصل از جرم را نیز در صورت اثبات نشدن سلامت منشأ آنها توقیف نمایند. همچنین، بانک‌ها و مؤسسات بانکی موظف به گزارش دادن پول‌های مشکوک به نهادهای امنیتی در جهت مبارزه با پولشویی هستند (ناتری و ابراهیم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

۳-۱. قانون پولشویی در حقوق ایران

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ برای مبارزه با پولشویی، تشکیل یک «کنوانسیون مستقل مبارزه با جرایم سازمان‌یافته» را در دستور کار خود قرار داد. به همین منظور کمیته ویژه‌ای متشکل از نمایندگان بیش از یکصد کشور جهان در وین، طی چهار نشست دو هفته‌ای پیش‌نویس مبارزه با فساد را با عنوان «Corruption» به تصویب رساندند. در نشست‌های مزبور، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت داشتند. در این نشست‌ها که در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) برگزار شد مقرر گردید که «تطهیر پول» به عنوان یک «جنایت سازمان‌یافته فراملی» با امضای ۱۴۷ دولت و با تصویب ۲۸ دولت مطرح گردد (باقرزاده، ۱۳۸۸، ص ۳۲). در قانون ایران نیز تطهیر پول به عنوان جرم شناخته نشده است؛ زیرا در میان جامعه حقوقدانان «یک جرم بدون قربانی» شناخته می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). اما این دلیل صحیح نمی‌باشد؛ چراکه عملیات پولشویی عارضه‌ای ثانوی از یک جرم منشأ یعنی فعالیت‌های مجرمانه است و

فقط تنها ناآگاهی از ماهیت پولشویی سبب شده است که به‌عنوان یک معضل نامرئی در جامعه ایرانی معرفی شود. لذا دولتمردان ایران لایحه مبارزه با پولشویی را در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۶ خورشیدی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمودند^۱ و سرانجام در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ به تصویب مجلس اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید که در سطور آتی به تفصیل در مورد آن سخن خواهد رفت. هرچند عده‌ای از حقوقدانان اعتقاد دارند که اصل ۴۹ قانون اساسی قابلیت لازم و کافی را در خصوص مبارزه با پولشویی دارد (ناتری و ابراهیم، ۱۳۸۲، ص ۴۸) اما این اعتقاد حقوقدانان صحیح نمی‌باشد؛ زیرا:

اولاً، اصل فوق فقط دولت را ناظر به استرداد اموال به‌دست آمده از مجاری غیرقانونی کرده است، در حالی که پولشویی عملیاتی می‌باشد که اقتصاد قانونی کشور را به اقتصاد غیرقانونی تبدیل می‌کند. به‌همین دلیل، جلوگیری از ورود وجوه و منابع غیرقانونی به سیستم مالی کشور مستلزم داشتن مواد قانونی مناسب در جهت شناسایی و گزارش عملیات مشکوک است.

ثانیاً، فرایند پولشویی در سال‌های اخیر ارتباط مستقیمی با جرایم سازمان‌یافته پیدا کرده است و دیگر یک جرم ساده محسوب نمی‌گردد و چه بهتر است که در قالب یک قانون جامع با ابعاد ماهوی و شکلی مناسب در جهت مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، به موضوع پولشویی پرداخته شود.

لازم به ذکر است که جمهوری اسلامی ایران با تصویب سیاست‌های مطلوب در جهت «سامان‌دهی اقتصادی» در سال ۱۳۷۸، بانک‌ها را موظف نموده است که با کنترل حواله‌های ارزی صادره از خارج کشور، مانع ورود پول‌های کثیف به داخل کشور شوند (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

۲. مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری پولشویی

رویکرد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نسبت به پدیده پولشویی را باید براساس اصول و قواعدی که حاصل استنتاج از فقه امامیه و نظام حقوقی (مدنی یا کیفری) است، ارزیابی کرد.

۱. دلیل ارائه این لایحه از سوی دولت هشتم به مجلس به‌خاطر این بود که پیش‌شرط الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی داشتن «قانون مبارزه با پولشویی» می‌باشد.

۱-۲. مبانی فقهی جرم‌انگاری پولشویی

بر اساس قواعد فقه امامیه، مالکیت اشخاص در اسلام محترم است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۹) و بر اساس نصوص «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم»^۱ (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۲۲۷) و «حرمة ماله كحرمة دمه»^۲ احترام اموال مشروع مسلمانان در مذاهب اسلامی همچون نفوس و دماء آنها محترم است (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳). همچنین، بر اساس «قاعده ید»^۳ و «اصل برائت» (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۳۴) باید افراد را مالک اشیایی که در اختیار دارند دانست مگر این که خلاف آن ثابت گردد (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۶۴). لازم به ذکر است که در فقه امامیه در مورد «منشأ تحصیل اموال» حساسیت‌های لازم وجود دارد و اموال کثیفی از موارد غیرشرعی به دست آیند حتی با انجام مراحل پولشویی تطهیر شده قلمداد نخواهند شد؛ چراکه سرچشمه آنها نامشروع است. اما مبانی فقهی جرم‌انگاری پولشویی به شرح زیر است.

۱-۱-۲. آیات قرآن کریم

مهم‌ترین ادله فقهی جرم‌انگاری پولشویی قاعده «اکل مال به باطل» است که برگرفته از آیه ۱۸۸ سوره بقره^۴ می‌باشد که می‌فرماید: «و لا تأکلوا أموالکم بینهکم بالباطل و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالإثم و أنتم تعلمون» (اموال یکدیگر را

۱. سیره عقلا همواره در زندگی، بر سلطه تام انسان به اموال خویش که به تلاش و کوشش به دست آورده است دلالت دارد و شرع مقدس نیز این قاعده را تنفیذ نموده است. از پیامبر اکرم (ص) روایتی نقل شده است که فرموده‌اند: «ان الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۲). همچنین در روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) آمده است که فرموده‌اند: «ان لصاحب المال ان یعمل بماله ماشاء مادام حیا» (حرالعالمی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۳۸۱).

۲. در روایت موثق ابی بصیر از امام صادق (ع) آمده است: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حرمة ماله كحرمة دمه» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۶۸). در واقع قاعده احترام، هر انسانی را از تصرف در مال دیگران بدون اذن بازمی‌دارد (موسوی خویی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۹۱).

۳. ظاهر آن است که مراد از «قاعده ید» استیلا است. به عبارت دیگر، انسان هر چه در اختیار دارد می‌تواند هرگونه تصرف عقلانی که بخواهد در آن مال انجام دهد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۸). بنابراین هرگاه در مالکیت مالی شک کردیم، طبق این قاعده حکم می‌کنیم که مال در ملکیت کسی است که در آن تصرف دارد. ۴. البته آیات دیگری نیز بر همین امر دلالت می‌کنند از جمله آیات ۲، ۲۹ و ۱۶۱ سوره نساء و آیه ۳۴ سوره توبه.

به‌ناشایست مخورید و آن را به‌رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به‌ناحق بخورید و شما خود می‌دانید).

در آیه شریفه فوق آنچه که بیشتر محل بحث و مورد توجه می‌باشد کلمات «أکل»، «مال» و «باطل» است که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

الف) «أکل»: واژه «أکل» از ریشه «أکل یا کُل» و به معنای «خوردن» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶). این کلمه بیش از یک صد بار در قرآن استعمال شده است. لازم به ذکر است که در آیات فوق این واژه کنایه از «تملک عدوانی» و «تصرف اموال دیگران به‌ناحق» است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره بیان کرده‌اند: «منظور از اکل مطلق تصرفات است و نه معنای لغوی آن (خوردن)» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۵). آری، «خوردن» مهم‌ترین نیاز انسان است و هیچ خصوصیتی ندارد و بنابر مجاز در استعمال، بر «تصرف و تملک» دلالت می‌کند.

ب) مال: در فقه امامیه به اشیایی که دارای «ارزش مبادلاتی» باشند مال می‌گویند (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱) و «در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد» (امامی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). مال «قوام» زندگی است و اگر درست از آن استفاده شود منشأ خیر و سعادت برای انسان می‌گردد و اگر ناصحیح و غیرمشروع (برای پایمال کردن حقوق افراد، معاملات غرری، ربا، رشوه و ...) به کار گرفته شود موجب هلاکت مردم و نابودی جامعه اسلامی خواهد بود.

«اموال» در فقه و حقوق دارای دو تقسیم‌بندی کلی هستند:

نخست آن که اموال با استناد به مفاد مواد ۱۱ بعد قانون مدنی در یک تقسیم‌بندی کلی به «اموال منقول و غیرمنقول» تقسیم می‌شوند^۱ (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۷۲).

در تقسیم‌بندی دوم اموال به عین و منفعت تقسیم می‌گردند: (۱) عین، مالی

۱. مطابق ماده ۱۹ ق.م: «اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است» و به موجب ماده ۱۲ این قانون: «مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به‌واسطه عمل انسان به‌نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود».

است که دارای وجود مادی بوده و با حواس ظاهر قابل درک است. این مال خود دارای دو قسم است: الف) شخصی: کالای «موجود و مشخص در خارج» است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۸۹). ب) کلی: کالای در خارج مشخص نیست بلکه براساس «اعتبار بر افراد معین موجود در خارج» انطباق دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۲۲). ۲) منفعت: فایده‌ای است که به کالا وابسته می‌باشد. این مال نیز بر چند قسم است: نخست، فایده‌ای که به تدریج به دست آمده و سپس از بین می‌رود، همچون بهره‌برداری از مسکن. دوم، فایده‌ای که به تدریج از «عین» به دست آمده و سپس متراکم می‌شود، مانند میوه‌های درخت (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۴۳). سوم، کارهای تولیدی یا خدماتی (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰).

ج) باطل: کلمه «باطل» در لغت از ریشه «بطل» و به معنای «پوچ و بی‌محتوا و هدر شدن» است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۳۲). همچنین در فلسفه اسلامی «باطل» در مقابل «حق» (به معنای وجود) می‌باشد (ابن سینا، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۸). طبرسی در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره بیان کرده است: «آیه عمومیت دارد و همه کارهای باطل (قمار، ربا، رشوه، معاملات غرری، سوگند به دروغ و ...) که از روایات استنباط می‌شود را دربر می‌گیرد» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵). همچنین، علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق‌الذکر می‌نویسد: «آیه عمومیت دارد و همه تصرفات غیرشرعی را دربر می‌گیرد. ذکر قمار و امثال (ربا و معاملات غرری و ...) از جهت بیان مصادیق هست» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۵). در آخر نیز فخر رازی بیان نموده است: «تمامی تصرفات ممنوع، داخل در معنای باطل می‌باشد» (فخر رازی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸).

با توجه به تعریف فوق، کلمه «باطل» منحصر به موارد خاص نیست بلکه دارای «مفهوم عامی» است. نه تنها تحصیل درآمد و اموال از راه‌های نامشروع جایز نیست بلکه صرف آن در «مسیرهای حرام و ناپسند» نیز ناصواب است؛ زیرا کلمه «باطل» در مقابل کلمه «حق» می‌باشد و هرچه غیرحق بود «باطل» به حساب می‌آید و این دلیل براساس گستردگی معنای «باطل» می‌باشد. از نظر اسلام، تصرف در دارایی‌ها (تولید یا توزیع) باید براساس عدالت صورت گیرد و هرچه غیر از آن باشد حرام است.

۲-۱-۲. روایات معصومین (ع)

یکی دیگر از مبانی جرم‌انگاری پولشویی، سیره حکومتی امام علی (ع) است. ایشان بیان کرده‌اند: «به خدا قسم اگر آن املاک را بیابم (املاک بیت‌المال که عثمان به‌میل خودش به دیگران بخشیده بود) به مسلمین برمی‌گردانم؛ اگرچه مهریه زنان شده باشد یا با آن کنیزها خریده باشند؛ زیرا گشایش امور با عدالت است و کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد ظلم و ستم مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵).^۱ آری، براساس این سخن گرانبها، دولت‌های اسلامی موظف هستند که اموال نامشروع که از کارهای غیرشرعی و غیرقانونی به‌دست آمده است را «جمع‌آوری» نمایند و به صاحبان آن «بازگردانده» شود، هرچند در قالب عقود اسلامی قرار گیرد؛ زیرا «حرام و باطل» هستند.

۱. در تفسیر این خطبه آمده است: «امام (علیه‌السلام) در نخستین جمله‌های این کلام، تصمیم قاطع خود را برای بازگرداندن اموالی که به ظلم از بیت‌المال گرفته شده است بیان می‌دارد، تا آنجا که اگر این اموال را در مصارف حساس و خاصی که مربوط به زندگی خانوادگی افراد است صرف شده باشد، باز هم باید به بیت‌المال برگردد تا مردم بدانند آنچه قبلاً عمل شده قانون اسلام نبوده و الگو و سرمشقی برای آیندگان نگردد! سپس در ذیل این سخن، این تصمیم قاطع را با منطق و دلیل همراه می‌سازد و می‌فرماید: این مصداق روشن عدالت است که مایه شکوفایی جامعه و رضایت عموم مردم و خاموش شدن آتش فتنه‌هاست. سرانجام به کسانی که دستپايشان به این اموال آلوده است و تصور می‌کنند این تصمیم امام (علیه‌السلام) به زیان آنهاست اندرز می‌دهد که این کار به‌نفع خود آنها می‌باشد؛ زیرا اگر کسی عدالت بر او تنگ باشد ظلم تنگ‌تر است؛ چراکه عدالت اموال حلال او را به او می‌دهد و تنها اموال نامشروعش را می‌گیرد ولی اگر تن به عدالت ندهند و رسم ظلم و جور را زنده کنند، تمام اموالشان به‌خطر می‌افتد؛ هم حلالشان و هم حرامشان! درست است که ظلم ممکن است در کوتاه مدت به‌سود ظالم باشد، ولی بی‌شک در دراز مدت چنین نخواهد بود و تاریخ نشان داده است که چگونه ظالمان سرانجام گرفتار همان قانون‌های ظالمانه‌ای می‌شوند که خود ساخته و پرداخته بودند؛ حتی نزدیکترین دوستان و بستگان آنها به آنها خیانت می‌کنند و در فرصت مناسب از پشت به آنها خنجر می‌زنند. قابل توجه این‌که به گفته «کلبی» (مورخ و مفسر معروف)، طبق نقل «ابن ابی‌الحدید»، علی (علیه‌السلام) بعد از ایراد این خطبه دستور داد تمام سلاح‌هایی را که در خانه عثمان برای تهاجم بر مسلمین گردآوری شده بود از آنجا بیرون آورند و همچنین سایر اموال بیت‌المال را، ولی دستور فرمود: متعرض اموال شخصی او (که از طریق مشروع حاصل شده بود) نشوند و نیز فرمان داد تمام اموالی که عثمان به‌عنوان جایزه و بدون استحقاق به افراد داده بود به بیت‌المال بازگردانده شود. این سخن به عمروبن عاص در سرزمین شام رسید و بلافاصله به معاویه نوشت هرکاری از دستت ساخته است انجام ده؛ زیرا فرزند «ابوطالب» (مطابق این فرمان) تو را از تمام اموال بیرون کشیده است همان‌گونه که پوست شاخه درختان را برای ساختن عصا برمی‌کنند!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۲۷).

۲-۱-۳. قواعد فقهی

۲-۱-۳-۱. قاعده «لاضرر و لاضرار»

یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقهی و حقوقی کاربرد فراوانی دارد قاعده «لاضرر و لاضرار» می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). این قاعده از روایتی که از پیامبر مکرم (ص) در خصوص داستان سمرة بن جندب وارد شده، اخذ شده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۹۲). لازم به ذکر است که «در بعضی از اسناد جمله "فی الاسلام" نیز آمده است» (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). / امام خمینی (ره) در خصوص اعتبار این روایت بیان کرده‌اند: «روایت فوق با سندهای مختلف از سوی مشایخ ثلاثه (کلینی، طوسی و صدوق) نقل شده است. اگرچه در متن روایت اختلاف‌هایی وجود دارد ولی ضرری به اصل بحث نمی‌زند؛ زیرا این اختلاف‌ها صوری هستند و نه جوهری» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۸۳).

فقهها در مورد مفاد «قاعده لاضرر» نظریات گوناگونی را مطرح نموده‌اند (ر.ک: محقق داماد، ۱۳۹۰، صص ۱۴۹-۱۴۲) که عبارتند از: نفی ضرر جبران‌شده (غیرمتدارک) (فاضل تونی، بی‌تا، صص ۱۹۴-۱۹۳)، نهی از وارد کردن ضرر به صورت حکم مولوی حکومتی (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ج ۳، صص ۵۳۴-۵۳۲)، نهی از وارد کردن ضرر به دیگری به صورت مطلق (شریعت اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۶)، نفی حکم ضرری به وسیله نفی موضوع ضرری (قول الحق) (آخوند خراسانی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۱) و نفی حکم ضرری در اسلام (انصاری، ۱۳۸۷، صص ۳۷۳-۳۷۲).

نکته‌ای که از نظرات مذکور به دست می‌آید به این قرار است که «ضرر» در اسلام به هیچ وجه مشروعیت ندارد، خواه کسی بر خود ضرر برساند، خواه به دیگری و خواه به جامعه (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰). بر همین اساس، «عملیات پولشویی» چون یک نوع «ضرر بر جامعه اسلامی» است که بالتبع این ضرر بر افراد جامعه سرایت می‌کند، وظیفه حکومت اسلامی است که با این «عملیات کثیف» مبارزه کند و به عنوان «جرم در جامعه» معرفی گردد.

۲-۱-۳-۲. حفظ نظام و مصالح عمومی

وضع قوانین در کشور نه فقط این است که وضع اشخاص و منافع آنها را در جامعه تعیین کند، بلکه هدف مهم این قواعد تأمین مصالح عمومی است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵). به همین جهت اشخاص نمی‌توانند برخلاف آن با یکدیگر توافق کنند (کاتوزیان،

۱۳۹۰، ص ۵۴). به عبارت دیگر، «تطهیر پول» در جامعه باعث برهم خوردن بسیاری از روابط حقوقی فرد و افراد و همین امر سبب منازعاتی در جامعه می‌شود که منجر به اختلال در نظم عمومی جامعه می‌گردد و با مصالح جامعه در «تزام» است و چون «حفظ نظام و مصالح مسلمین فلسفه تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد»، برای جلوگیری از هرگونه اختلال باید حکم به عدم مشروعیت داد. / امام خمینی (ره) نیز در این خصوص بیان نموده‌اند که «حفظ نظام از واجبات مورد تأکید است و اختلال در امور مسلمین مبعوض می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۶۱).

۲-۲. مبانی حقوقی جرم‌انگاری پولشویی

بر اساس قوانین اولیه «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» (اصل ۳۷ قانون اساسی). لازم به ذکر است که کلمه «برائت» در این اصل قانون اساسی، یک اصل بیان شده است؛ چراکه همواره باید ویژگی‌های اصل بودن آن مدنظر قرار گیرد و یکی از ویژگی‌های آن این است که دلیلی برخلاف آن وجود نداشته باشد (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۹) که در غیر این صورت (حتی در صورت علم قاضی) دیگر جایی برای اعمال «اصل برائت» نخواهد بود. با توجه به این توضیحات، در صورتی که دولت یا سازمان‌های مراقبتی کشور به منشأ پولی مشکوک شوند (با دلیل و اسناد معتبر) صاحب درآمد باید برای اثبات مشروع بودن منشأ آن، ادله قانونی ارائه دهد و نمی‌تواند به این اصل استناد کند؛ چراکه مطابق مفهوم موافق اصل ۴۷ قانون اساسی، منشأ تحصیل اموال باید مشروعیت داشته باشد.^۱ اما مبانی حقوقی درباره «جرم‌انگاری پولشویی» در قوانین ایران وجود دارد که به شرح زیر می‌باشد.

۲-۲-۱. قانون اساسی

در قانون اساسی مبانی قاطعی در جرم‌انگاری پولشویی دیده می‌شود و به تفصیل به آن اشاره شده است. مهم‌ترین اصل در این زمینه اصل ۴۹ قانون اساسی است که به موجب آن «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار،

۱. اصل ۴۷ ق.ا: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود». البته استرداد اموال و دارایی‌های مذکور (نامشروع) با توجه به اثبات موضوع در مراجع صالح قضایی صورت می‌گیرد؛ زیرا مطابق اصل ۴۶ قانون اساسی، «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». در آخر این‌که از مفاد اصل ۱۴۲ قانون اساسی (منع مداخله مسئولین در معاملات دولتی)^۱ این‌گونه استنتاج می‌شود که ادعای دشمنان مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی ایران فاقد قانونی منع پولشویی است، ناشی از عدم شناخت کافی از اصولی نظام حقوقی ایران می‌باشد.

۲-۲-۲. قانون مدنی

در قانون مدنی یکی از شروط اساسی صحت معاملات «مشروعیت جهت معامله» است (بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی) که در صورت فقدان یا عدم مشروعیت، معامله باطل است. در ماده ۲۱۸ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) نیز مقرر شده است: «هرگاه معلوم شود معامله با قصد فرار از دین به‌طور صوری انجام شده آن معامله باطل است». همچنین در ماده ۶۵۴ این قانون (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) آمده است: «قمار و گروبنندی باطل و دعاوی راجعه به آن مسموع نخواهد بود. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد جاری است». بنابراین، با توجه به سه ماده قانونی فوق، عملیات پولشویی ولو در پوشش‌های قانونی، باطل است.

۳-۲-۲. قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۶۶۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، «هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به‌دست آمده است آن را به‌نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به

۱. اصل ۱۴۲ ق.ا: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد».

حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد». بنابراین، ماده مذکور افرادی را که از نامشروع بودن اموال «آگاهی یا علم» داشته‌اند مجرم شناخته است.

۲-۲-۴. سایر قوانین

در قوانین تصویب شده دیگر نیز بر جرم‌انگاری پولشویی اشاره شده است که عبارتند از: (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

(۲) قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.

(۳) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶: به موجب ماده ۲۸ این قانون آمده است: «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.

تبصره- وسایل نقلیه‌ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی به دست می‌آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل‌کننده ضبط می‌کند».

همچنین در ماده ۳۰ قانون فوق‌الذکر آمده است: «وسایط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی شناخته می‌شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌شود...».

(۴) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.

(۵) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴.

۲-۳. جرم‌انگاری پولشویی: جرم بازدارنده یا جرم تعزیری؟

با توجه به مبانی فقهی و حقوقی «جرم‌انگاری پولشویی»، این پرسش مطرح می‌شود که

آیا جرم‌انگاری پولشویی در حقوق ایران به‌عنوان مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است یا به‌عنوان مجازات بازدارنده؟^۱ ثمره این بحث، اعمال تدابیری همچون شمول احکام مرور زمان تعقیب^۲ نسبت به «جرم پولشویی» است (اسعدی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). در پاسخ باید دو نظریه را مطرح نمود:

الف) نظریه نخست: برخی حقوقدانان «جرم پولشویی» را از باب مجازات بازدارنده^۳ دانسته‌اند (محمودی، ۱۳۸۲، ص ۴۵)؛ زیرا بر اساس قانون و نظم عمومی، درآمدهای ناشی از منشأ جرم باید به صاحبان آنها «استرداد» گردد؛ چون «عملیات پولشویی» سبب به چرخه درآمدن پول‌های کثیف در عرصه اقتصاد می‌شود و این درآمدهای (به اصطلاح قانونی) دوباره برای ارتکاب جرایم جدید به کار گرفته شده که برخلاف مصالح اجتماع می‌باشد. به عبارت دیگر، با «عملیات پولشویی»، اقتصاد کلان کشور بی‌ثبات شده که در نتیجه «حفظ نظم عمومی» اقتضا می‌کند که «جرم‌انگاری

۱. لازم به ذکر است که در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات تعزیری این‌گونه تعریف شده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

اما مجازات‌های بازدارنده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌طور کلی از شمار مجازات‌ها خارج شده است. دلیل حذف مجازات‌های بازدارنده به‌خاطر گسترده بودن مفهوم تعزیرات می‌باشد که همه موارد را دربر می‌گیرد و نیازی نیست که مجازات‌ها به پنج دسته حد، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم شوند. البته برخی اوقات تفکیک مفهوم مجازات‌های بازدارنده از مجازات‌های تعزیری (مسئله مرور زمان) موجب بروز مشکلاتی می‌شود.

۲. مرور زمان عبارت از «سپری شدن مدتی که پس از انقضای آن، اعلام شکایت، تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی، صدور حکم و سرانجام مجازات امکان‌پذیر نمی‌باشد» (شمس، ۱۳۹۱، ص ۳۱۱).

۳. ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان می‌داشت: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».

پولشویی» در قسمت مجازات‌های بازدارنده قرار گیرد.

ب) نظریه دوم (قول‌الحق): برخی حقوقدانان جرم پولشویی را از باب مجازات تعزیری^۱ دانسته‌اند (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۸۶)؛ زیرا:

اولاً، تصرف بر درآمدهای ناشی از افعال مجرمانه بنابر آیه شریفه «لاتأكلوا اموالکم بالباطل» باطل و حرام می‌باشد و در اسلام تعزیر برای افعال حرام تعیین شده است. ثانیاً، مجرمان با علم به این‌که درآمد حاصل از جرم، قابلیت تملک و انتقال را ندارد با توسل به «راه‌های متقلبانه» به‌دنبال فریب مأموران امنیتی و اقتصادی هستند تا درآمدهای نامشروع فوق را تملک نمایند. این نوع عملیات (پولشویی) سنخیت زیادی با کلاهبرداری دارد؛ چراکه مقوم اصلی کلاهبرداری (همچون پولشویی) «احتیال و اقدامات مکرر و فریب» است که در متون فقهی مجازات تعزیری برای آن قرار داده شده است. لازم به ذکر است که براساس ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳، «هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به‌منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات باطل و بلاثر است انتقال‌گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال‌دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد». تطهیر پول، در «حکم کلاهبرداری» شناخته شده است؛ زیرا در کلاهبرداری مال نامشروع پس از «فریفتن دیگران» حاصل می‌شود درحالی‌که در مانحن فیه، مال نامشروع از قبل تحصیل شده و شخص به‌دنبال تطهیر این درآمد کثیف در جهت تملک و انتقال است.

ثالثاً، رأی وحدت رویه شماره ۶۷۷ - ۱۳۸۴/۴/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بیان داشته است که «واضع جرایم واجد مجازات‌های بازدارنده حکومت است، زیرا مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب هزار و سیصد و هفتاد، کیفرهای مذکور برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی، اعمال می‌گردد و بر اساس تبصره ۱ ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ «تعزیرات شرعی عبارت

۱. ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد».

است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده ...» و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوه را نیز شرع انور بیان فرموده‌اند و در مواد مربوط به موضوع، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، به ممنوعیت مستخدمین دولتی، به‌طور کلی، اعم از قضایی و اداری، از دریافت رشوه، به هر عنوان، تصریح گردیده و در تبصره‌های ۲ و ۵ قانون اخیرالذکر، نوع مجازات را «تعزیری» اعلام نموده‌اند، لذا رشوه از عداد مجازات‌های بازدارنده که از طرف حکومت تعریف می‌گردد خارج و به حکم شرع دارای مجازات تعزیری بوده و مشمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی‌باشد و به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، رأی شعبه نهم تجدیدنظر استان اصفهان، در حدی که با این استنباط مطابقت داشته باشد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد.^۱ لذا چنین به نظر می‌رسد که «عملیات پولشویی» یک جرم تعزیری است و مشمول «مرور زمان» نمی‌گردد.

۳. کاستی‌های قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶

قانون مبارزه با پولشویی مشتمل بر ۱۲ ماده و ۷ تبصره و به‌همراه آیین‌نامه اجرایی آن (شامل ۸ فصل و ۴۹ ماده) به‌خاطر «نقص‌های فاحش و ایرادات حقوقی» در مفاد آن، از کارایی لازم برخوردار نیست. مهم‌ترین نقص این قانون این است که در آن به «فراملی بودن جرم تطهیر پول» هیچ توجهی نشده است، در صورتی که اگر منشأ جرم در دولت دیگر واقع شود باید مشمول این قانون قرار گیرد. همان‌طور که بیان شد، تطهیر پول «جرم سازمان‌یافته‌ای» است که موجب می‌شود تا سرمایه‌های نامشروع این سازمان‌ها مخفی بماند که بر همین اساس در بازارهای مالی قانونی نفوذ کرده و بخش‌هایی از بازارهای داخلی را از طریق تطهیر کنترل نمایند. همین امر موجب تهدیدهای خطرناک برای تمامی «سیستم‌های مالی داخلی و بین‌المللی» می‌گردد. اگرچه این نقصان به‌وسیله ماده ۹۷۱ قانون مدنی مرتفع می‌گردد^۱ اما شایسته بود قانون‌گذار «دیدگاه

۱. ماده ۹۷۱ ق.م: «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد

کیفری» خود را فراتر از نگاه عرفی و احساسی در جرم‌انگاری قرار دهد و به ویژگی «فراملی بودن» این جرم (مطابق بند ۸ ماده ۳ قانون پولشویی افغانستان)^۱ توجه بیشتری داشته باشد. لازم به ذکر است که در این بخش تمامی مواد قانون مبارزه با پولشویی به‌طور تفصیلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و راهکارهایی در جهت بهبود مفاد آن بر اساس «قانون جلوگیری از پولشویی و عواید ناشی از جرایم کشور افغانستان مصوب ۱۳۹۳ خورشیدی» ارائه می‌گردد.^۲

۳-۱. اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری

بر اساس ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی، تمامی معاملات تجاری صحیح بوده و «... استیلائی اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است» (قاعده ید). اما این ماده قانونی هیچ تناسبی با جرم پولشویی ندارد؛ زیرا گروه‌های سازمان‌یافته، درآمدهای کثیف را با «انتقال‌های واقعی یا صوری» در قالب معاملات مشروع، به‌ملکیت خود در می‌آورند که اثبات این امر بسیاری سخت است. همچنین، در صورت مشکوک بودن منشأ درآمدها، باید بر اساس ماده ۲ قانون تجارت^۳ و ماده ۳۵

بود که در آنجا اقامه می‌شود مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.»

۱. به‌موجب این بند آمده است: «سازمان جنایت‌کار: گروه متشکل از دو یا بیشتر از دو عضو است که به هدف حصول مستقیم و غیرمستقیم وجوه، دارایی‌ها یا هر نوع منافع مالی یا غیرمالی متفقاً به ارتکاب یک جرم یا بیشتر از یک جرم توافق یا اقدام می‌نمایند.»

۲. لازم به ذکر است که قانون مبارزه با پولشویی باید در جهت بهبود روابط مالی کشور و جلوگیری از عواید ناشی از جرم وضع گردد. در ماده ۲ قانون جلوگیری از پولشویی کشور افغانستان آمده است: «اهداف این قانون عبارت‌اند از: ۱- حفظ و بهبود سلامت نظام مالی افغانستان. ۲- مبارزه با استعمال مؤسسات مالی و تشبثات و حرفه‌های غیرمالی مشخص مندرج در ماده پنجم این قانون، غرض پول‌شویی و عواید ناشی از جرایم، تمویل تروریزم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی.»

۳. ماده ۲ ق.ت: «معاملات تجاری از قرار ذیل است: ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره اعم از این‌که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد. ۲- تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد. ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره. ۴- تأسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این‌که برای رفع حوائج شخصی نباشد. ۵- تصدی به عملیات حراجی. ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی. ۷- هر قسم عملیات صرافانی و بانکی. ۸-

قانون مدنی^۱ حکم به مشروعیت داد. چه‌بسا بهتر بود که قانون‌گذار «شک در وجوه، دارائی و عوائد ناشی از جرم» را (مطابق ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی افغانستان)^۲ در تحقق جرم پولشویی بیان می‌کرد تا بدین‌وسیله فردی با ادعای ملکیت، از مجازات جرم فرار نکند.

۲-۳. رکن روانی جرم پولشویی

ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی ناظر بر مرتکبین جرم پولشویی (حقیقی - حقوقی) می‌باشد که «عامداً و با علم» مرتکب این جرم شوند. اما شایسته بود که عنصر «اطلاع و شک در دارائی و عوائد ناشی از جرم» (مطابق ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی افغانستان) نیز جزء عنصر روانی قرار می‌گرفت.

قانون‌گذار ایران با بیان سه بند از این ماده فقط قصد صریح (قصد برخاسته از ارتکاب مجرم) را در نظر گرفته است و در مورد قصد غیرصریح (عدم قصد از یک نتیجه) سکوت کرده است. چه‌بسا شایسته بود که قانون‌گذار به «قصد غیرصریح» (مطابق بند ۱۳ ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی افغانستان)^۳ در جهت پیشگیری از این جرم اشاره‌ای می‌کرد.

همچنین، در این ماده قانونی «کارکنان دولت و مسئولین سیاسی» که از مسؤولیت خویش سوءاستفاده نموده و این جرم را انجام می‌دهند مورد توجه خاص قرار نگرفته‌اند. چه‌بسا شایسته بود که «تشدید مجازات و مراقبت» در مورد این افراد به‌خاطر موقعیت‌های خاصی که در اختیار دارند (مطابق ماده ۱۵ قانون پولشویی افغانستان)^۴

معاملات برواتی اعم از این‌که بین تاجر یا غیرتاجر باشد. ۹- عملیات بیمه بحری و غیربحری. ۱۰- کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی‌رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها». ۱. ماده ۳۵ ق.م: «تصرف به‌عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود». ۲. این ماده بیان داشته است: «(۱) شخص در حالات آتی با داشتن علم، اطلاع یا شک در مورد اینکه وجوه و دارائی، عواید ناشی از جرم بوده، مرتکب جرم پولشویی شناخته می‌شود: ...». ۳. به‌موجب این بند آمده است: «جرم اصلی: جرمی است که در نتیجه ارتکاب آن وجوه یا دارائی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم حاصل شده باشد».

۴. این ماده تحت عنوان «تدابیر مراقبتی برای اشخاص متبازر سیاسی» بیان می‌دارد: «مرجع راپوردهنده مکلف است، علاوه بر اتخاذ تدابیر عام مراقبتی مندرج این قانون، در مورد اشخاص متبازر سیاسی تدابیر ذیل را نیز

در نظر گرفته می‌شد. در آخر، در این ماده قانونی موضوع «شروع به جرم تطهیر پول» مسکوت مانده است، در حالی که با استناد به ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «شروع به جرم پولشویی» قابل مجازات خواهد بود.^۱

۳-۳. مصادیق رفتار مرتکبین پولشویی

در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، «مصادیق رفتار مرتکبین پولشویی» در سه بند ارائه شده است که به شرح زیر می‌باشد:

الف) «تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید...»: کلمه «تحصیل» از لحاظ لغوی به معنای «به دست آوردن شیء یا جمع‌آوری کردن» می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸). بر اساس این ماده، کسی که «مرتکب جرم پولشویی» شده و مال نامشروع را تحصیل نموده است مستحق «دو مجازات» است، در حالی که «ارتکاب جرم» در واقع همان «تحصیل مال نامشروع» می‌باشد. به عبارت دیگر، یک جرم دارای دو عنوان است که «تعدد عنوان موجب تعدد معنون» نمی‌شود. لذا به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مرتکب جرم پولشویی مستحق «اشد مجازات» است.^۲ همچنین نحوه ارتباط این ماده قانونی با ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری^۳ در حاله‌ای از ابهام است؛ زیرا در هر دو ماده، واژه «تحصیل» آمده است که هیچ «معیاری» برای تفاوت داشتن این دو ماده

اتخاذ و عملی نماید: ...».

۱. ماده ۱۲۴ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲: «هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی‌شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود».

۲. ماده ۱۳۱ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود».

۳. ماده ۲ ق.ت.م.ا.ا.ک: «هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد ...».

قانونی در دست نیست. همچنین، در صورت یکی بودن معیار در هر دو ماده قانونی، نیازی به «تکرار مفاهیم» بدون هیچ ضابطه‌ای در قوانین مختلف نبود؛ زیرا موجب ابهام در نحوه اجرای قانون در جامعه می‌شود.

همچنین کلمه «تملک» در لغت به معنای «مالک شدن» است (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷۹). در این بند دو کلمه «تملک» و «تحصیل» آمده است که هر دو «مترادف» هم هستند و نیاز نبود که قانون‌گذار در کنار یکدیگر بیان کند. البته از کلام قانون‌گذار دو دیدگاه استخراج می‌شود: (۱) کلمه «تملک» به معنای «مالک شدن مال نامشروع از طریق راه‌های قانونی» (ایقاع/عقد) و کلمه «تحصیل» به معنای «به دست آوردن مال نامشروع از طرق مختلف» است. (۲) واژه «تحصیل» عام بوده ولی واژه «تملک» خاص است و «جمع‌آوری مال به وسیله قرارداد بیع» را شامل می‌شود.

اما این دو دیدگاه بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا هر دو واژه از لحاظ «مفهوم و مصداق» از دیدگاه عرف یکسان و بیان معنای مختلف از باب «شرح‌الاسم» است نه یک «تعریف حقیقی». همچنین «ماهیت مال نامشروع» در هر دو واژه یکسان می‌باشد.

کلمه «نگهداری» در لغت به معنای «نگاه داشتن و محافظت» است (معین، ۱۳۸۶، ص ۸۳۵۹). این کلمه در این ماده ابهام دارد. به عبارت دیگر، آیا مرتکب پولشویی در صورت نگهداری «عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی» مستحق دو نوع مجازات است (ارتکاب جرم و نگهداری مال نامشروع)؟ همچنین، جرم نگهداری مال نامشروع از چه زمانی آغاز می‌شود؟

همچنین، «استفاده از عواید» در لغت به معنای «سود بردن از شیء» است (معین، ۱۳۸۶، ص ۶۲۵) که بیان این عبارت از سوی قانون‌گذار جای تأمل دارد و معلوم نیست که بر چه مبنایی قانون‌گذار این کلمه را در عناصر «جرم‌انگاری پولشویی» قرار داده است! همچنین این واژه با تعریف پولشویی «رابطه تباین» دارد.

ب) «تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی ...»: لازمه یک قانون کارآمد، «صراحت و شفافیت» در بیان است. اما در این بند قانون‌گذار از الفاظ عام «بدون قرینه و تردیدآمیز» استفاده کرده است که همین امر سبب گشودن راه «تفسیر به رأی» می‌باشد. ایراد مطروحه در این خصوص این است که وجه تمایز میان تبدیل، مبادله و انتقال

مشخص نیست! کلمه «تبدیل» مصدر باب تفعیل و به معنای «تغییر چیزی به جای چیز دیگر» می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸۴) و در ماده ۲۹۳ قانون مدنی نیز این کلمه بیان شده است.^۱

کلمه «مبادله» مصدر باب مفاعله و به معنای «چیزی عوض چیز دیگر گرفتن» می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص ۷۶۲۹) و در ماده ۴۶۴ قانون مدنی نیز به‌طور التزامی به آن اشاره شده است.^۲

کلمه «انتقال» مصدر باب انفعال و به معنای «جابجا کردن شیء» می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص ۹۳۲) و در ماده ۲۹۲ قانون مدنی نیز این کلمه بیان شده است.^۳

برخی بیان کرده‌اند که کلمه «تبدیل» در این قانون به معنای «تعویض مال نامشروع به صورت یک‌جانبه است» (گرایلی، ۱۳۸۹، ص ۶۲). ولی کلمه «مبادله» به معنای «داد و ستد مال نامشروع بدون تغییر در ماهیت آن می‌باشد» (ساک، ۱۳۸۸، ص ۴۶) و کلمه «انتقال» به معنای «جابجا کردن مال نامشروع بدون دریافت عوض است» (ساک، ۱۳۸۸، ص ۴۷). این دیدگاه جای تأمل دارد؛ زیرا هر سه واژه از لحاظ مفهوم «مترادف» هم هستند و در بسیاری از «مصادیق» مشترکند.

در آخر این‌که، در قسمت اخیر این بند، عبارت «کمک به مرتکب» بیان شده است که دارای ابهام بوده و نیازمند تأویل مناسب از سوی قانون‌گذار است؛ چراکه معلوم نیست که «کمک به مرتکب» به معنای مشارکت است یا معاونت! همچنین نحوه ارتباط این عبارت با ماده ۵۵۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب

۱. ماده ۲۹۳ ق.م: «در تبدیل تعهد تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت مگر اینکه طرفین معامله آن را صراحتاً شرط کرده باشند».

۲. ماده ۴۶۴ ق.م: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگری از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد».

۳. ماده ۲۹۲ ق.م: «تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود:

- ۱- وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود.
- ۲- وقتی که شخص ثالث با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید.
- ۳- وقتی که متعهدله مافی‌الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید».

۱۳۷۵ در هاله‌ای از ابهام است^۱ و وجه تمایز آنها مشخص نیست.

ج- «اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن»: کلمه «اخفاء» مصدر باب افعال و به معنای «پنهان یا مخفی کردن شیء» است (معین، ۱۳۸۶، ص ۵۸۹). کلمه «پنهان» به معنای «مخفی کردن» (معین، ۱۳۷۰، ص ۱۷۳) و واژه «کتمان کردن» به معنای «پنهان کردن» می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص ۴۸۵۶). لذا سه کلمه فوق «مترادف» هم هستند و هر سه بر یک «مصادیق» دلالت دارند.

همچنین در این بند دو کلمه «منبع و منشأ» آمده است که هر دو «مترادف» هم هستند و نیاز نبود که قانون‌گذار در کنار یکدیگر آنها را بیان کند؛ زیرا کلمه «منبع» و کلمه «منشأ» در لغت به معنای «ریشه و سرچشمه» هستند (معین، ۱۳۸۶، ص ۸۶۳۲).

در آخر این‌که، شایسته بود قانون‌گذار ایران مطابق ماده ۴ قانون پولشویی افغانستان، «مصادیق رفتار مرتکبین پولشویی» را این‌گونه بیان می‌کرد: «...»

۱- پنهان نمودن دارائی و تغییر منشأ جرمی وجوه و دارائی یا مساعدت در فرار مظنون جرم اصلی از عواقب قانونی ناشی از ارتکاب جرم ادر مورد دارایی‌های منقول و غیرمنقول^۱.

۲- اقدام به منظور پنهان نمودن یا تغییر شکل دادن ماهیت واقعی، منبع، موقعیت یا انتقال حق مالکیت وجوه و دارائی یا سایر حقوق.

۳- اقدام به تحصیل، تصرف یا استفاده از وجوه و دارائی.

۴- اشتراک، داشتن ارتباط یا همدستی در ارتکاب جرم و اقدام به آن و تشویق، تسهیل یا مشوره دهی در زمینه ارتکاب هر یک از جرایم مندرج اجزاء (۱، ۲ و ۳) این فقره ...».

۳-۴. موضوع جرم پولشویی

ماده ۳ قانون مبارزه پولشویی به «موضوع جرم پولشویی» اشاره دارد و «عواید حاصل از

۱. ماده ۵۵۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد ...».

جرم» را در «قلمرو مال» قلمداد کرده است، در صورتی که واژه «عواید» یک معنای عام است که شامل اموال و دیگر مزیت‌های اقتصادی همچون اوراق قرضه یا سهام شرکت‌ها (دولتی/خصوصی) و دیگر حقوق همچون حق حبس و ... می‌باشد. اما «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد» (امامی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). به نظر می‌رسد که در این قانون دامنه جرم پولشویی به مسائل مالی محدود شده است و نه مسایل اقتصادی. در واقع، قانون‌گذار در قانون مبارزه با پولشویی تفکیکی بین جرم مالی و اقتصادی قائل نشده است. همچنین، نحوه ارتباط ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی با ماده ۶۶۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در هاله‌ای از ابهام است؛^۱ زیرا ماده ۶۶۲ قانون یادشده اشاره به جرم مالی دارد، اما این که چه وجه تمایزی با این ماده دارد، مشخص نیست.

شایسته بود که قانون‌گذار ایران مطابق بند ۲ ماده ۳ قانون پولشویی افغانستان «موضوع جرم پولشویی» را این‌گونه بیان می‌کرد: «جوه یا دارائی‌ها: هر نوع دارائی مادی و غیرمادی، منقول و غیرمنقول، عینی و غیرعینی، مشروع و غیرمشروع و اسناد یا وسایل بشمول الکترونیکی و دیجیتالی است که مالکیت یا داشتن منافع در چنین جوه یا دارائی‌ها را ثابت نموده که و طور نامقید شامل حواله‌های پولی، سهام، اسناد بهادار، اوراق قرضه، برات یا اعتبارنامه (لیر آف کریدت)، تکتانه، مفاد سهم یا سایر درآمدها یا ارزش ناشی از چنین جوه یا سایر دارایی‌ها می‌باشد».

در آخر لازم به ذکر است که گاهی موضوع جرم پولشویی «اطلاع داشتن» از عواید ناشی از جرم پولشویی است، که قانون‌گذار این موضوع را مدنظر قرار نداده است. به عبارت دیگر، اگر کسی (کارمند بانک و ...) از ماهیت واقعی عواید مجرمانه اطلاع داشته باشد و این موضوع را به مأموران امنیتی گزارش ندهد، مطابق این ماده مرتکب

۱. ماده ۶۶۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به‌دست آمده است آن را به‌نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد».

جرم پولشویی نشده است؛ درحالی‌که شایسته بود قانون‌گذار مطابق با بند ۲ ماده ۴ قانون پولشویی افغانستان^۱ و با تأسی به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای این موضوع (ترک فعل) مجازات مناسبی را در نظر می‌گرفت.^۲

۳-۵. تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم جهت هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط بر اساس ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی، «وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی» موظف به «تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم» و «هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط» برای «جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی و تخصصی آنها در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد طبق مقررات» هستند و با «سازمان‌های مشابه در سایر کشورها» تبادل تجارب و اطلاعات کند.

اما این ماده دارای دو ایراد اساسی در «سطح ملی و بین‌المللی» است: نخست این‌که لازم‌الاجرا بودن «آیین‌نامه‌های اجرایی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیأت وزیران» برای «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط» قابلیت اجرا را ندارد، که در مبحث بعدی به آن پرداخته خواهد شد. همچنین قانون‌گذار قلمرو و وظیفه «شورای عالی مبارزه با پولشویی» را بیان کرده است. در واقع، «شورای عالی مبارزه با پولشویی» (همانند مرکز تحلیل معاملات و راپورهای مالی در قانون پولشویی افغانستان) است که موظف به «دریافت، تجزیه و تحلیل گزارشات معاملات مشکوک و سایر معلومات مربوط به پول‌شویی، جرایم اصلی و تمویل تروریزم و نشر نتایج تحلیلی گزارشات مذکور مطابق به احکام این قانون می‌باشد» و این مرکز «در اجراءات خود مستقل بوده» و در واقع «تشکیل، ساختار، اجراءات و منابع» شورای عالی مبارزه با پولشویی باید با رعایت سفارشات گروه کاری اقدامات مالی (FATF) باشد (مطابق ماده ۲۵ قانون پولشویی افغانستان).

دوم آن‌که، درباره همکاری در سطح بین‌المللی «تمهیداتی کامل» پیش‌بینی نشده

۱. این بند اشعار می‌دارد: «(۲) علم، اطلاع یا شک مندرج فقره (۱) این ماده به حیث عنصر متشکله جرم از نتایج و شرایط عینی (قرائن) مرتبط به جرم استنباط می‌گردد».

۲. ماده ۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود».

است و فقط به صورت اجمال به «تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌های مشابه در سایر کشورها» (تبصره ۵ ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی) اشاره شده است و چه بسا شایسته بود که قانون‌گذار «تمهیدات همکاری در سطح بین‌المللی» را همچون اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات و اسرار ارائه شده و بکارگیری آن در جهت مبارزه با پولشویی و تروریسم (مطابق ماده ۳۱ قانون پولشویی افغانستان)^۱ و همکاری در مصادره اموال جرم در خارج از کشور (مطابق ماده ۶۴ قانون پولشویی افغانستان)^۲ در نظر می‌گرفت.

۳-۶. اجرای آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران توسط اشخاص حقوقی

بر اساس ماده ۵ قانون مبارزه با پولشویی «... بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداری‌ها مکلفند آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران در اجراء این قانون را به‌مورد اجراء گذارند». اما این ماده قانونی دارای ایرادات اساسی است؛ از جمله این‌که:

- ۱- براساس این ماده اشخاص فوق‌اجازه تجسس در زندگی خصوصی افراد برای تشخیص منشأ تحصیل پول را دارند، درحالی‌که طبق اصل ۳۷ قانون اساسی، اثبات اموال نامشروع باید به‌وسیله «دادگاه صالحه» صورت بگیرد.^۳ لذا شایسته بود قانون‌گذار ایران بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی داخلی را موظف می‌کرد که در صورت مشکوک بودن هریک از موارد فوق، «شورای عالی مبارزه با پولشویی» را در این زمینه مطلع نمایند (مطابق بند ۵ ماده ۱۴ قانون پولشویی افغانستان).^۴
- ۲- بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی و مأمورین آنها با چه «ابزاری و براساس کدام مکانیزیم

۱. این ماده تحت عنوان «روابط با ادارات مماثل خارجی» در قانون یادشده آمده است و بند ۳ این ماده مقرر می‌دارد: «(۳) مرکز تحلیل معاملات و راپورهای مالی قبل از ارائه معلومات به مقامات دولت خارجی، اطمینان حاصل می‌نماید که معلوماتی که ارائه می‌شود تابع عین الزامات محرمانه می‌باشد...».

۲. این ماده مقرر می‌دارد: «کشور درخواست‌کننده مکلف به تأمین مصارف همکاری عدلی می‌باشد».

۳. اصل ۳۷ ق.ا: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۴. مطابق این بند «(۵) مرجع راپوردهنده مکلف است، در مورد معاملات مشکوک مندرج این قانون با نظرداشت احکام فقره‌های (۱، ۲ و ۳) این ماده، به واحد استخبارات مالی گزارش ارائه نماید».

اقتصادی» باید به تحقیق از منشأ پول بپردازند؟ لذا شایسته بود قانون‌گذار ایران «یک مرکز تحلیل معاملات» در بانک مرکزی (مطابق ماده ۲۵ قانون پولشویی افغانستان) پیش‌بینی می‌کرد تا بدین‌وسیله بر تمامی معاملات و حساب‌های مشکوک اطلاع کسب می‌نمود.

۳- هیچ بانک یا مؤسسه اقتصادی اجازه ارائه «اطلاعات مشتریان» خود به غیر راه، بدون اجازه دادگاه صالحه ندارد. لذا شایسته بود قانون‌گذار ایران بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی داخلی را در برخی از امور موظف می‌کرد همچون: ۱- عدم ارتباط مالی با مؤسسات اقتصادی غیرمجاز و عدم ارتباط مالی با مؤسسات مالی و اقتصادی خارجی که با مؤسسات غیرمجاز در ارتباط هستند (مطابق ماده ۹ قانون پولشویی افغانستان). ۲- اطلاع دادن از حساب‌های مجهول‌الهویه به «شورای عالی مبارزه با پولشویی» (مطابق ماده ۱۰ قانون پولشویی افغانستان). ۳- تثبیت هویت مشتریان (حقیقی - حقوقی) خود قبل و بعد از افتتاح حساب. ۴- کسب اطلاعات از معلومات معاملات غیر منظم. ۵- گزارش معاملات بزرگ مالی (مطابق ماده ۱۴ قانون پولشویی افغانستان). ۶- تثبیت هویت طرف دیگر معامله (حقیقی - حقوقی) (مطابق ماده ۱۲ قانون پولشویی افغانستان).

۴- مطابق قانون مجازات اسلامی، تمام دستگاه‌های اجرایی در صورت مشاهده تخلف موظف به ارائه گزارش به مراجع ذی‌صلاح هستند. این درحالی است که در قانون مبارزه با پولشویی «بزارهای قضایی» مورد استفاده قرار نگرفته است. چه بسا با «عضویت وزیر دادگستری و نماینده‌ای ویژه از قوه قضاییه» در «شورای عالی مبارزه با پولشویی» این مشکل مرتفع می‌گردد.

۵- این ماده با ماده ۶۴۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در تضاد است؛ چراکه مشاغل مهم که مطابق ماده ۶۴۸ قانون یادشده «... محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند»^۱ این تعارض با صدور حکم قضایی توسط «نماینده‌ای ویژه قوه

۱- وجود سرّ از ارکان این جرم است، به این شکل که میان صاحب سر و طرف او جنبه نهانی وجود داشته باشد و دیگران نباید از آن باخبر شوند و موضوع به‌گونه‌ای باشد که صاحب آن فقط به‌اعتبار حرفه و موقعیت طرف،

قضایه» در «شورای عالی مبارزه با پولشویی» مرتفع می‌گردد. البته صدور حکم قضایی در جهت تحقیق و تفحص است و نه اثبات جرم (دادگاه صالحه موظف به این امر است).

۶- در آخر این که به نظر نگارنده، دولت نمی‌تواند تحقیق و تفحص پیرامون منشأ درآمد‌های مردم را به یک «سازمان اقتصادی و پولی» واگذار کند و نقش «مراجع قضایی» را در تحقیق مشروع یا نامشروع بودن پول مردم نادیده بگیرد، مگر این که وزیر دادگستری و نماینده‌ای ویژه از قوه قضاییه» در تحقق منشأ اموال نامشروع و مشکوک در «شورای عالی مبارزه با پولشویی» عضویت داشته باشند.

۳-۷. اجرای آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران توسط وکلای حقوقی

بر اساس ماده ۶ قانون مبارزه با پولشویی «دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حسابرسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجراء این قانون را که هیأت وزیران مصوب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی، ارائه نمایند». اما این ماده قانونی نیز دارای ایراداتی است از جمله:

- ۱- «وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید» (ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵).
- ۲- «ادارات امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذیربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشاء طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد» (ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷).
- ۳- «سردفتران و دفتریاران و به‌طور کلی تمام کارکنان دفترخانه، باید اسرار ارباب رجوع و متعاملین را که بر اثر تنظیم یا ثبت، از آن اطلاع حاصل کرده‌اند، مکتوم

ناگزیر از ابراز آن به او شده باشد. اگر سر خارج از اعتبار حرفه‌ای فرد به شخص رازدار گفته شود، افشای آن مشمول مجازات نیست.

دارند» (ماده ۵۱ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶).

۴- «انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون افشاء آن مجاز نیست، ممنوع است و در صورت تخلف، طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد» (ماده ۲۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحی ۱۳۷۹).
راه حل تعارضات فوق این است که «دفاتر اسناد رسمی، حساب‌رسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی» در صورت علم یا شک در مورد معامله بزرگ مالی یا منشأ مال، «شورای عالی مبارزه با پولشویی» را در این زمینه مطلع نمایند و درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی را در جهت ارائه اطلاعات مورد نیاز در صورت وجود مجوز قانونی از دادگاه صالحه اجابت نمایند.
اما وکلای دادگستری (که مجوز رسمی و قانونی داشته باشند) باید از ارائه دادن اطلاعات استثنا گردند؛ چراکه وکیل به موجب قانون، حافظ اسرار مردم شناخته می‌شود و حق ندارد اسرار آنان را افشا کند و تنها در صورتی که متهم نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم است به وکیل خود سپرده باشد با درخواست بازپرس، وکیل باید آنها را ارائه دهد (البته جای تأمل است).

۳-۸. وظایف اشخاص و نهادها در قبال آیین‌نامه پولشویی

بر اساس ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی «اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) بر حسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند:

- الف- احراز هویت ارباب رجوع و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده و وکیل و اصیل در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد.
تبصره- تصویب این قانون ناقض مواردی که در سایر قوانین و مقررات احراز هویت الزامی شده است، نمی‌باشد.
ب- ارائه اطلاعات، گزارش‌ها، اسناد و مدارک مربوط به موضوع این قانون به شورای عالی مبارزه با پولشویی در چهارچوب آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران.
ج- گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذی‌صلاحی که شورای عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند.

- د- نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب رجوع، سوابق حساب‌ها، عملیات و معاملات به مدتی که در آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود.
- ه- تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن.»
- اما این ماده قانونی نیز دارای ایرادات اساسی است از جمله این‌که:
- ۱- همان‌طور که بیان شد، هیچ «ضمانت اجرایی» برای تمکین این افراد و مؤسسات به خواسته «شورای عالی» وجود ندارد.
 - ۲- به نظر نگارنده، این ماده به همراه ۵ شق آن، «اصل احترام به حریم خصوصی افراد» را زیر سؤال برده است. لذا شایسته بود قانون‌گذار «اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶)» را در صورت علم یا شک در مورد معامله‌های مالی مشکوک یا نامشروع بودن منشأ مال، موظف به اطلاع‌رسانی به «شورای عالی مبارزه با پولشویی» می‌نمود که برای این امر، نیازی به تدوین معیارهای کنترل در تمامی دستگاه‌ها و ادارات (دولتی- خصوصی) نیست.
 - ۳- مضافاً به این‌که این ماده با ماده ۱ قانون پولشویی «استیلای اشخاص بر اموال و دارایی» در تعارض می‌باشد.

۳-۹. لزوم حفظ اطلاعات گردآوری شده

بر اساس ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی «اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجراء این قانون، صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و جرایم منشأ آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، افشاء اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد مجرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹، محکوم خواهد شد». اما همان‌طور که بیان شد این ماده قانونی به‌خاطر «نقص‌های فاحش در مواد قبلی» که مقدمه اجرای این ماده قانونی هستند، قابلیت اجرا ندارد.

البته شایسته بود که قانون‌گذار تمامی کارکنان (مفتشین داخلی و خارجی) «شورای عالی مبارزه با پولشویی» را از ایفای وظیفه در دیگر اداره‌ها (دولتی- خصوصی) منع می‌کرد (مطابق ماده ۲۷ قانون پولشویی افغانستان) که این امر سبب جلوگیری از

سوءاستفاده احتمالی از اطلاعات و اسناد گردآوری شده، می‌شود.

۳-۱۰. مجازات جرم پولشویی

قانون‌گذار در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، مجازات «استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل» و «جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم» را برای «مرتکبین جرم پولشویی» پیش‌بینی کرده است. اما این ماده قانونی دارای ایرادات زیر می‌باشد:

۱- کلمه «مرتکبین» در ماده فوق فقط برای «اشخاص حقیقی» مسؤولیت کیفری قائل شده و اشخاص حقوقی (بنگاه‌ها، شرکت‌ها، گروه‌ها، انجمن‌ها و بانک‌ها) را فقط به «مسؤولیت تضامنی» در قبال دارایی‌ها و جزای نقدی محدود کرده است، اگرچه این نقصان به وسیله ماده ۲۰ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۴۳ همان قانون، مرتفع می‌گردد. در آخر این که قانون‌گذار با قرار دادن این نوع ترکیب برای «شورای عالی مبارزه با پولشویی» جرم پولشویی را ماهیتاً یک «جرم اقتصادی» در نظر گرفته است و در مورد «جرم کیفری اشخاص حقوقی» به جز نهادهای و دستگاه‌های دولتی (مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با پولشویی) سکوت کرده است.

۲- مجازات «جزای نقدی به میزان یک چهارم» برای «مرتکبین جرم منشأ» نامتناسب و غیرمؤثر به نظر می‌رسد؛ زیرا در موارد بسیاری درصد کمی از جرایم پولشویی کشف می‌شوند و مجرمان از چنین مجازاتی «مرعوب و اصلاح» نخواهند شد و چه بسا موجب «تجری مجرمین» بالقوه گردد. همچنین، در موارد زیادی به خاطر «عدم تکافوی ادله»، تعقیب جرایم پولشویی به نتیجه نمی‌رسد. ضمناً چنین مجازاتی در مقایسه با جرایم مشابه مالی همچون کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، اختلاس، ارتشاء و ... بسیار ناچیز می‌باشد. در تمام جرایم مالی مهم «کیفر حبس» توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده، به خصوص در قانون مبارزه با مواد مخدر، مجازاتی همچون اعدام یا حبس‌های طولانی و مصادره تمام اموال (غیر از هزینه تأمین زندگی متعارف) در نظر گرفته شده است. دست آخر این که قانون‌گذار در این ماده قانونی «مجازات تکمیلی و تبعی و مجازات زندان را برای این جرم» در نظر نگرفته است.

لذا چه بسا شایسته بود که قانون‌گذار میان افراد حقیقی و حقوقی در مجازات جرم پولشویی تمایز قائل می‌شد، بدین صورت که:

الف) مجازات افراد حقیقی: جزای نقدی به میزان تمام عواید یا منفعت حاصل از جرم، محرومیت از فعالیت‌های تجاری به مدت ۵ سال، از ۲ سال تا ۱۰ سال حبس (مطابق ماده ۵۲ قانون پولشویی افغانستان).

ب) مجازات افراد حقوقی: جزای نقدی به میزان تمام عواید یا منفعت حاصل از جرم، محرومیت از فعالیت‌های تجاری به مدت ۱۰ سال، انحلال شرکت یا بنگاه‌های اقتصادی، نشر حکم از طریق رسانه‌های همگانی (مطابق ماده ۵۰-۵۱ قانون پولشویی افغانستان).

در صورتی که افراد حقیقی عضو سازمان جنایتکار و یا افراد حقوقی تحت تملک و کنترل سازمان جنایتکار باشند باید مجازات‌های سنگین‌تری در این زمینه وضع نمود (مطابق ماده ۵۳ قانون پولشویی افغانستان) همچون:

الف) افراد حقیقی عضو سازمان جنایتکار: جزای نقدی قابل توجه (به غیر از حکم مذکور) و حبس از ۵ سال تا ۱۴ سال.

ب- افراد حقوقی تحت تملک و کنترل سازمان جنایتکار: جزای نقدی قابل توجه (به غیر از حکم مذکور) و محرومیت از فعالیت‌های تجاری به طور دائم.

۳- قانون‌گذار مجازات «معاونت جرم پولشویی» را بیان نکرده است، اگرچه قاعده کلی در حقوق جزای این است که مجازاتش بایستی خفیف‌تر از «مباشر جرم پولشویی» باشد (نوربها، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲). البته باید به وصف «سازمان‌یافته» تطهیر پول توجه نمود؛ زیرا تمام اعضا در جنایت سازمان‌یافته «پیکره واحدی» هستند که با نظم و تحت مدیریت واحدی مرتکب «جرم پولشویی» می‌شوند. لذا همه افراد به‌عنوان «شرکای جرم پولشویی»، مسؤولیت کیفری پیدا می‌کنند. همچنین برخی اوقات، افرادی که «عمل معاونت» را انجام می‌دهند همچون طراحی و مدیریت و ... و نقش مؤثرتری نسبت به مرتکبین این جرم دارند، مورد بی‌توجهی قانون‌گذار واقع شده است (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

چه بسا شایسته بود که قانون‌گذار با بهره‌گیری از بند ۴ ماده ۴ قانون پولشویی افغانستان مبنی بر این که «شخصی که در ارتکاب رکن مادی جرایم مندرج فقره (۱) این ماده اشتراک نماید، شریک و شخصی که برای مرتکب تسهیلات، اسباب و وسایل را فراهم نموده و یا مرتکب را تشویق یا مشورت دهد، معاون جرم مذکور محسوب می‌شود»، به «معاونت جرم پولشویی» اشاره می‌کرد.

۴- قانون‌گذار در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی به «ضبط اموال» اشاره کرده است که به نظر نگارنده اشتباه می‌باشد؛ زیرا «ضبط اموال» یک «تصمیم و قرار قضایی» بوده که توسط «بازپرس یا دادستان» در دادسرا اتخاذ می‌شود و همچنین «قابلیت برگشت با اعتراض در دادگاه بدوی» را دارد. چه بسا منظور قانون‌گذار در این ماده قانونی «مصادره اموال» بوده است. حکم «مصادره اموال» به موجب «تصمیم و رأی دادگاه کیفری» می‌باشد و یک «مجازات اصلی و حکم» به‌شمار می‌آید و فقط به موجب حکم «دادگاه تجدیدنظر» برگشت‌پذیر است. البته لازم به ذکر است که ابتدا اموال «ضبط» می‌گردد و سپس حکم بر «مصادره» آن صادر می‌شود. هرچند که این نظریه «مصادره اموال» با اشکالی مواجه نیست، لکن ایرادی که می‌توان به آن وارد ساخت این است که مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود». لذا دولت موظف است دارایی‌های نامشروع را به صاحب حق «استرداد» نماید و در صورت «معلوم نبودن صاحب آن»، اموال نامشروع را به «بیت‌المال» بدهد.

۳-۱۱. لزوم همکاری قوه قضائیه با شورای عالی مبارزه با پولشویی

بر اساس ماده ۱۰ قانون مبارزه با پولشویی «کلیه اموری که در اجراء این قانون نیاز به اقدام یا مجوز قضایی دارد باید طبق مقررات انجام پذیرد. قوه قضائیه موظف است طبق مقررات همکاری نماید». اما این ماده قانونی نیز دارای ایرادات اساسی به شرح زیر است:

۱- بر اساس این ماده تفحص پیرامون درآمدهای مردم به «شورای عالی مبارزه با پولشویی» واگذار شده است و «بازرسان قضایی» هیچ نقشی در آن ندارند.

۲- معلوم نیست که بر اساس این ماده، قوه قضائیه در مورد «نتایج تحقیق مشروع یا نامشروع بودن پول» چه شرایطی خواهد داشت؟!

۳- همچنین تنها مرجع برای اظهارنظر کردن درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت اموال مردم «دادگاه صالحه» است (اصل ۳۷ قانون اساسی). همان‌طور که بیان شد، این

ایراد با «عضویت وزیر دادگستری و نماینده‌ای ویژه از قوه قضاییه» در «شورای عالی مبارزه با پولشویی» و با صدور حکم قضایی توسط «نماینده‌ای ویژه قوه قضاییه» در جهت تحقیق و تفحص و نه اثبات جرم (دادگاه صالحه موظف به این امر است) مرتفع می‌گردد.

۳-۱۲. اختصاص یافتن شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرم پولشویی
بر اساس ماده ۱۱ قانون مبارزه با پولشویی «شعبی از دادگاه‌های عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرایم مرتبط اختصاص می‌یابد. اختصاصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرایم نمی‌باشد». اما این ماده قانونی نیز دارای ایراد اساسی است؛ زیرا به‌خاطر زیان‌بار بودن فعالیت‌های مجرمانه پولشویی در «سطح ملی و فراملی» و لزوم برخورد‌های قانونی قاطع با مجرمان، شایسته بود که یک «مجتمع قضایی» خاصی به‌همراه کارشناسان متخصص و ماهر برای رسیدگی به این امور در قوه قضاییه در نظر گرفته می‌شد.

۳-۱۳. همکاری در سطح بین‌المللی با تبادل اطلاعات

بر اساس ماده ۱۲ قانون مبارزه با پولشویی «در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پولشویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت». البته لازم به ذکر است که مطابق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، تبادل اطلاعات «عندالزوم یا عندالتقاضاء» (مطابق ماده ۳۱ قانون پولشویی افغانستان) با سازمان‌های مشابه سایر کشور فقط بر اساس تصویب عهدنامه به‌وسیله مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر می‌باشد. به‌عبارت دیگر، «به‌موجب ماده ۹ قانون مدنی عهدنامه در حکم قانون است و از همان اعتبار برخوردار می‌شود و هیچ قانونی نمی‌تواند آن را نسخ یا معلق کند و در محاکم داخلی در صورت تعارض بین دو مفاد قانون، بر طبق قواعد عمومی، باید حکم جدید را که حاوی آخرین اراده قانون‌گذار است ناسخ قدیم دانست» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰-۱۴۹).

نتیجه

سازمان‌های جرم (قاچاق کالا، مواد مخدر، کلاهبرداری و ...) همواره به دنبال راهی برای پنهان کردن منشأ اموال نامشروع خود هستند و به همین دلیل اقدام به پولشویی می‌کنند. در واقع، عملیات پولشویی فرآیندی است که در راستای آن، پول‌های کثیف، از طریق راه‌های مشروع و قانونی به پول تمیز تبدیل می‌شوند. این عملیات سبب افزایش نقدینگی کشور به‌نحو ناصحیح می‌شود و دولتمردان را به اشتباه انداخته و سیاست‌گذاری‌های مالی کشور را متأثر می‌سازد. به همین جهت دولت‌ها قادر به کنترل امور اقتصادی و متعادل‌سازی بودجه نمی‌شوند. به همین دلیل قانون‌گذار سعی کرده است با اصول عرفی و شرعی با این پدیده نوین از منظر «اکل مال به باطل» در مقوله جرایم اقتصادی برخورد نماید. لذا قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۶ خورشیدی به تصویب رسید؛ چرا که مجازات هر جرمی در قانون در واقع حمایت از مصلحت اجتماعی می‌باشد. در واقع، تصویب این قانون، در جهت مبارزه با جرم پولشویی و همراه بودن با سازمان‌های جهانی مبارزه‌کننده بوده است. اما این قانون به‌خاطر وجود اشکالاتی، قابلیت اجرا در کشور را ندارد که از جمله این ایرادات عبارتند از: ناکارآمدی مجازات‌های مقرر با خطرات ناشی از این جرم، عدم توجه به وصف «فراملی» این جرم، بی‌توجهی به وصف «سازمان‌یافته» بودن این جرم، عدم پیش‌بینی راه‌کارهای مناسب در جهت همکاری و هماهنگی با سایر کشورها در حوزه قضایی و مراجع بین‌المللی، عدم تمهیدات مناسب در خصوص سهولت اثبات این جرم از سوی قانون‌گذار، عدم تعیین نقش عوامل قضایی در برخورد با این نوع جرم، عدم هماهنگی با دیگر قوانین مدنی و کیفری و در نهایت اشتباه در مفاهیم حقوقی و جامع نبودن این قانون.

چه بسا دولت و یا کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی با تشکیل یک هیأت متخصص حقوقی و با کمک اساتید و متخصصین داخلی و با بهره‌گیری از کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین دیگر کشورها در حوزه پولشویی می‌توانند چالش‌های این قانون را برطرف کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم؛ کفایة الاصول، مؤسسه آل‌البيت (عليهم السلام)، قم، ۱۳۹۰.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ الشفاء، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۵. اسعدی، سید حسن؛ جرائم سازمان یافته فراملی، میزان، تهران، ۱۳۸۶.
۶. امامی، حسن؛ حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸.
۷. انصاری، مرتضی؛ المکاسب، مؤسسه مطبوعاتی دینی، قم، ۱۳۸۷ش.
۸. باقرزاده، احمد؛ پولشویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، میزان، تهران، ۱۳۸۸.
۹. جزایری، مینا؛ پولشویی و مؤسسات مالی، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، سال دهم، ۱۳۸۲.
۱۰. حر العاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغتنامه، روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات، دار العلم، دمشق، ۱۴۱۲ق.
۱۳. ساکی، محمدرضا؛ آشنایی با جرم پولشویی، جاودانه، تهران، ۱۳۸۸.
۱۴. سلیمی، صادق؛ جنایت سازمان یافته فراملی، جنگل، تهران، ۱۳۸۲.
۱۵. شریعت اصفهانی، فتح‌الله؛ قاعده لاضرر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۱۶. شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، دراک، تهران، ۱۳۹۱.
۱۷. شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکرد به اسناد بین‌المللی (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی)، نشر وفاق، تهران، ۱۳۸۲.
۱۸. صحرائیان، مهدی؛ زیان‌های ناشی از تطهیر پول (اولین کارگاه سراسری علمی-کاربردی قضاوت دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر)، نشر آبی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جامعه المدرسین، قم، ۱۳۷۹.

۲۰. طباطبایی یزدی، محمد کاظم؛ *عروة الوثقی (به همراه حواشی چهار مرجع تقلید معاصر)*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان*، نشر فراهانی، تهران، بی‌تا.
۲۲. علی بن ابی طالب؛ *نهج البلاغه*، ترجمه سیدعلی نقی، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۳.
۲۳. فاضل تونی، عبدالله؛ *الوافیه فی اصول الفقه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی‌تا.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *تفسیر فخر الرازی*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۲۵. کاتوزیان، ناصر؛ *مقدمه علم حقوق*، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۰.
۲۶. کرکی (محقق)، علی بن حسین؛ *جامع المقاصد*، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۲۸. گرایلی، محمدباقر؛ *پولشویی از منظر فقه و حقوق موضوعه*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۹.
۲۹. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*، دار احیاء التراث الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی؛ *قواعد فقه (بخش مدنی)*، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۹۲.
۳۱. محقق داماد، سیدمصطفی؛ *قواعد فقه (بخش جزایی)*، نشر سیمیا، تهران، ۱۳۹۰.
۳۲. محمودی، وحید؛ *پدیده پولشویی و راه‌های مبارزه با آن (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی)*، نشر وفاق، تهران، ۱۳۸۲.
۳۳. معین، محمد؛ *فرهنگ لغت*، زرین، تهران، ۱۳۸۶.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام امام (ع)*، دار الکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۳۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ *قواعد الفقهیه*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۶. موسوی خمینی، روح‌الله؛ *البیع*، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۳.
۳۷. موسوی خمینی، روح‌الله؛ *تهذیب الاصول*، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۲.
۳۸. موسوی خویی، ابوالقاسم؛ *مصباح الفقاهة*، انصاریان، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۹. نجفی، محمدحسن؛ *جواهر الکلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۴۰. نوربها، رضا؛ *زمینه حقوق جزای عمومی*، دادآفرین، تهران، ۱۳۸۷.
۴۱. هادیان، ابراهیم؛ *پولشویی و اثرات اقتصادی آن (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی)*، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۲.

**Pathology of the Anti-Money Laundering Law Approved in 2007
From the Perspective of the Law on Money Laundering and
Proceeds Generated from the Crimes of Afghanistan**

Abolhassan Mojtahed Soleimani*

Mohammad Davoudabadi**

Received: 19/5/2018

Accepted: 8/8/2018

Abstract

In the process of money laundering, the perpetrators of the crimes converted money generated from their illegal acts to legitimate fortune by committing acts of deception and this matter causes major economic losses in any given country. In fact, the rules of money laundering are combined with other financial and business criminal methods. Therefore, countries have set up laws to combat this type of criminal activity in order to maintain and support their economic system, and this has led to the formation of a group called "Financial Action Task Force" (FATF) within the international sphere. In Iran, the anti-money laundering law was enacted in 2007, but due to lack of expertise in drafting its provisions, it cannot be implemented effectively. The question that arises is that what are the disadvantages of the anti-money laundering law? According to the library research, it seems that the lack of consistency of the anti-money laundering law, the lack of attention to the "transnational" character and the "organized" nature of this crime, the transfer of supervision over the fight against money laundering to a non-judicial body, conflict with other "civil and criminal laws", the inappropriateness of the "money laundering with a prescribed penalty" and the lack of prediction of suitable strategies for cooperation with other countries in the "jurisdiction and international bodies", may be considered as the defects of this law. Of course, it is hoped that the challenges of this law will be resolved with the help of professors and experts, and also by reviewing the laws of other countries in the area of combating money laundering. In the end, the author, looking at the "Law on money laundering and the proceeds generated from crimes" of Afghanistan as adopted in 2014, has provided effective solutions to the amendment of the provisions of the anti-money laundering law.

Key words: Money Laundering, Falsehood Appropriation of Property, Transnational, Organized.

*Assistant Professor at Law and Political Science Faculty of Kharazmi University.
Sarsabze313@gmail.com

**MA in Jurisprudence and Principles of Islamic Law of Kharazmi University.
dr.davoudabadi@gmail.com